

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

موسوی

۰۸ جون ۲۰۱۴

هردم شهید

می دانیم که امروز ۱۸ جوزا ۱۳۹۳ مطابق با ۸ جون ۲۰۱۴ است، روزی که ۳۴ سال قبل از امروز سوسیال امپریالیزم جنایت پیشه روس و مزدورانش، به دوام کشتار های سال های قبل شان، بار دیگر تیغ کین از نیام کشیده و با به خون کشانیدن زنده یاد «مجید کلکانی» آن اسطوره مقاومت و افتخار جنبش کمونیستی افغانستان، نه تنها شدید ترین ضربت را بر پیکر خونین سازمان آزادیبخش مردم افغانستان وارد نمودند، بلکه هرگاه گفته شود، ملتی را در ماتم و اندوه فرو بردند، حرف گزافی گفته نشده است. درست یک سال بعد از آن روز، پیشنهاد تعیین «روز شهداء» از جانب زنده یاد «رهبر» به سازمان ارائه و یادآوری شده بود که در صورتی که سازمان چنان پیشنهادی را بپذیرد می بایست برای پذیرفته شدن این روز به مثابه «روز شهدای مردم افغانستان» از طرف تمام مردم، جد و جهد لازم نماید.

نوشتن «روز شهدای مردم افغانستان» نه با برخورد های تقلیل گرایانه و انزو اگرایانه به اصطلاح «روز شهدای جنبش دموکراتیک» و یا از آن هم محدود تر «روز شهدای ساما». این که چرا چنین شد، بر می گردد به ماشین های کشتار حاکم در سرزمین ما که گذشته از انسانها، مفاهیم را نیز قربانی، جهل و جبن خویش می نمایند.

من هم می خواستم به مانند سالهای پار چیزی در خور شأن این روز نوشته نمایم، مگر با تأسف مشکلات جسمی و فشار ویراستاری بخشی از مقالات رسیده به پورتال، مانع از انجام چنین آرزویی گردید، باز هم تلاش می ورزم کوتاه سخنی به ارتباط عنوان این مطلب، عرض خوانندگان عزیز نمایم، امید کاستی های آن را به دیده اغماض نگریسته و با تکمیل و تصحیح آن بر منت بگذارند.

با اجازه استاد سخن، آقای «معروفی» یکی از متصدیان همیشه فعال پورتال، که به ارتباط اصطلاحات زیبای کابلی تحقیقات جامع و ارزشمندی نموده، صفحات زیادی از پورتال را با نوشته های شان منور ساخته اند، می پردازم به توضیح اصطلاح کابلی «هر دم شهید».

آنهایی که عادت کرده اند، جهت تثبیت درستی و نادرستی هر کلمه و یا هم اصطلاحی به فرهنگهای «عمید»، «معین»، «دهخدا»، «سخن»، «کامل»، «برهان قاطع» و امثال آنها مراجعه نمایند، امیدوارم زحمت نکنند، زیرا این اصطلاح را در آنجاها نمی یابند، فقط همه آنها ترکیب «هردم» را ذکر نموده اند. تنها فرهنگی که این ترکیب زیبا را به صورت کامل قید نموده، «عبدالله افغانی نویسنده» است که در اثر ارزشمند خودش «لغات عامیانه فارسی افغانستان» - چاپ دوم -

نشر «مؤسسه تحقیقات و انتشارات بلخ» در صفحه ۵۷۹ چنین معنا می نماید:

هردم شهید: بینوا و فقیر

بدون آن که تمرکز کار ما را بر واژه های «هر، دم و شهید» به صورت خاص نمایم، با قبول این که هر سه کلمه بر مبنای گستره کاربرد، آنقدر مشهور هستند، که نیازی به توضیح هریک به صورت جداگانه نیست، باید بیفزایم که با تأسف آقای «افغانی نویس» این ترکیب را آن طوری که بین مردم مروج است و مورد استفاده قرار می گیرد، نشگفته است، کاری که به یقین از عهده من هم بیرون است و تکمیل آن دستان استاد سخن را طلب می نماید. اما با آنهم :
در بین تمام فرهنگها و لغتنامه ها، دهخدا در جلد ۱۴ لغتنامه اش- چاپ اول از دوره جدید- نشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران کتاب در صفحه ۲۰۷۲۸، چنین معنا می نماید:

«هردم.» [هَدَد] (ق مرکب) هر لحظه. هر ساعت. هر آن. پیوسته. پشت سر هم. پیایی. متواتراً (یادداشت به خط مؤلف):

چو با او تو پیوسته خون شوی از این پایه هردم بافزون شوی

فردوسی

یا در این غم که مرا هردم است همدم خویش کسی داشتی

خاقانی

مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هردم جرس فریاد می دارد که بر بندید محمل ها

حافظ»

حال که به معنای لغوی قسمتی از ترکیب «هردم شهید» از زبان دهخدا، پی بردیم، بد نخواهد بود قبل از رفتن به بیان علت انتخاب و گزینش چنین عنوانی اندکی موارد استفاده آن را بین مردم کابل نیز بیان بداریم:

۱- مرده در میدان افتاده بود، اولادش که نه پول کفن را داشتند و نه هم از دفن را، هردم شهید، هردم شهید، گاهی به طرف جسد و گاهی به طرف آسمان نگاه می کردند.

۲- زورش به او ظالم نمی رسید، هردم شهید به هر طرف نگاه می کرد تا کسی به دلدش برسد.

۳- «مردن خو حق است، خدا آمده از هردم شهیدی نجات بته»

۴- «غم در خانه شان تمامی نداره، بیچاره ها هردم شهید شدند»

۵-...، ۶-... و ...

وقتی به این موارد و ده ها مورد مشابه دیگر نظر می اندازیم، می بینیم که معنای آقای «افغانی نویس» فقط می تواند گوشه ای از این معانی را پوشش بدهد، نه تمام آن را. در حالی که هرگاه بخواهیم کلمه «شهید» را با تعریفی که دهخدا از «هردم» نموده است اضافه نماییم، چنین بر می آید:

«هر لحظه شهید. هر ساعت شهید. هر آن شهید. پیوسته شهید. پشت سر هم شهید. پیایی شهید. متواتراً شهید»

هرگاه خواسته باشیم، معانی و تعاریفی را که از اصطلاح هردم شهید، بیرون کشیدیم، در مورد افراد به خصوص جانبازان پاکباز مردم ما و از آن هم برجسته تر، جانبازان جنبش کمونیستی کشور، که در محراب آزادی کشور و رفاه مردم آن، شجاعانه جان دادند، نه تسلط استعمار را پذیرفتند و نه هم حاکمیت ارتجاع را گردن نهادند، تطبیق نماییم می بینیم:

تا زمانی که کس و یا کسانی، به کلیت آنها که متشکل از جسم شان، طرز تفکر و باور هایشان، اهداف و نظرگاه های شان می باشد، ارج نهد و احترام قایل شود، هیچ گونه خدشه ای بر وی و شخصیت وی وارد نمی گردد.

مگر عکس آن هرگاه کسی خواسته باشد، زیر نام یاددهانی از وی، کلیت وی را قطعه قطعه نموده، لجن و آلودگی فکری خود را نیز به وی نسبت دهد و باز هم تأکید بورزد که گویا از وی یاد می نماید، در اینجاست که می تواند در مورد آن شهید، هردم شهید مصداق پیدا نماید.

به صورت مثال:

زنده یاد کلکانی، زنده یاد رهبر، زنده یاد پویا، زنده یاد میرویس، زنده یاد طغیان، زنده یاد سرور، زنده یاد تیمور، زنده یاد بهرنگی، زنده یاد انجنیر کریم، زنده یاد غلام محمد، زنده یاد بهمن، زنده یاد مسجدی، زنده یاد لطیف محمودی، زنده یاد داکتر فیض احمد، زنده یاد مینا، زنده یاد اشرف و زنده یادان را نسل ما همه می شناسیم، آنها از جمع بزرگمردان و بزرگزنانی بودند که در پیکار علیه استعمارروس و ارتجاع هار مذهبی، با حرکت از مواضع فکری و ایدئولوژیک کمونیستی شان، شرکت ورزیده از جان خویش گذشتند، نه سلطه استعمار را پذیرفتند و نه هم حاکمیت قرون وسطائی ارتجاع هار مذهبی را. با چنین شرایطی کسی بیاید، کسی که با قاتلان آنها نرد عشق باخته باشد، یک تسلیم طلب ملی و یا هم طبقاتی، یک انقیاد طلبی که در خدمت امپریالیزم و ارتجاع قرار داشته و دارد، فردی که با شمشیر جبن، گاهی ضدیت آنها را با «امپریالیزم به مثابه یک سیستم» تخطئه می کند و زمانی هم با همان شمشیر زنگزده و خونچکان، هویت کمونیستی آنها را انکار نموده، با قاتلان شان هم هویت ساخته، مسلمان معرفی می دارند؛ به نظر من چنین معرفانی هم می توانند در جمع قاتلان آن بزرگان و اسطوره های تاریخ به شمار بیایند و جانبازان پاکباز مردم، همان **هردم شهیدانی** هستند، که دشمنان شان با نفی هویت ایدئولوژیک و طبقاتی آنها، هر لحظه، هر دم و هر آن باز هم آنها را به چهار میخ می کشند.

کسانی که دیروز زنده یادان مجید، میرویس، پویا، بهمن، مسجدی و .. را به خون کشیدند، آن جنایات را به خاطری مرتکب شدند که نمی توانستند هویت آزادگی آن بزرگان را تحمل نمایند، لذا آنها را با تیغ کین از میان برداشتند، همچنان آنهایی که زنده یادان، رهبر، داکتر فیض احمد، مینا، بهرنگی، گل محمد، انجنیر سرور و ده ها کمونیست دیگر را به جرم اعتقادات شان به خون کشیدند، اینکار را به خاطر رضای «خدای شان که آن بالا ها نظاره گر است» انجام داده اند.

پس اینهایی که امروز دست در دست استعمار می گذارند، و با فعالیت هائی انجوائی زمینه تدام سلطه استعمار را فراهم می نمایند و یا هم آنهایی که جانبازان مردم را زیر نام «خواست فامیل» مسلمان معرفی می دارند، چه چیزی کمتر از قاتلان اصلی آنها دارند؟

نباید از خود بیرسیم، که فقط آنهایی حق دارند از آنها یاددهانی و تجلیل نمایند که در سنگرهای ایدئولوژیک و سیاسی آن پیشکسوتان استوار ایستاده اند و به آرمان آنها پشت نکرده اند، نه آنانی که روز پنج بار بر آنها لعن می فرستند و یا هم با قاتلان آنها نرد عشق می بازند؟